



## فقه، حقوق و اخلاق

پدیدآورنده (ها) : اسماعیل تبار، احمد

حقوق :: نشریه شهر قانون :: تابستان ۱۳۹۴ - شماره ۱۴

صفحات : از ۱ تا ۱

آدرس ثابت : <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1383157>

تاریخ دانلود : ۱۴۰۲/۰۸/۰۷

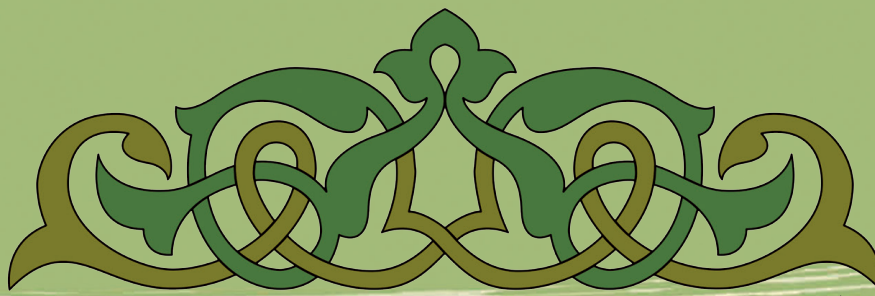
مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



- منطقة الفراغ في التشريع الاسلامي

عناوين مشابه

- منشور اخلاق پزشکی در فقه اماميه و حقوق و نقش آن در کاهش تخلفات پزشکی (مطالعه موردی بیمارستان امام رضا (ع) بجنورد)
- جایگاه عدالت و اخلاق در فقه و حقوق اسلامی با رویکردی بر آرای امام خمینی (س)
- بررسی نقش اخلاق در فقه و حقوق با رویکردی بر نظریات حضرت امام خمینی
- اندیشه: بررسی نقش اخلاق در فقه و حقوق با رویکردی به نظریات امام خمینی
- حق سلامت جنین از منظر اخلاق، فقه و حقوق پزشکی
- بررسی اصول چهارگانه اخلاق زیستی از منظر فقه و حقوق اسلامی
- اعاده حیثیت در حقوق، فقه و اخلاق اسلامی
- بررسی نقش اخلاق در فقه و حقوق با رویکردی بر نظریات امام خمینی (س)
- جایگاه فقه در حقوق و اخلاق حرفه ای سردفتر
- پیوستگی حقوق، فقه و اخلاق ذیل اصل انسجام برای اثبات شفعه در اموال منقول و غیرمنقول غیرقابل تقسیم



## فقه، حقوق و اخلاق

### نشابه فقه، حقوق و اخلاق

وجه اشتراک دانش فقه، حقوق و اخلاق از نظر شناخت‌شناسی گزاره‌های اعتباری آنهاست که در قدم اول دانشجو و طلبه این علوم باید گزاره‌های اعتباری آنها را بشناسد. گزاره اعتباری گرچه از زیرمجموعه معارف علمی بشر است ولی از آنجایی که به اراده شخص یا اشخاص مستند و مبتنی می‌شود از گزاره واقعی متباین است زیرا گزاره واقعی گرچه علمی است اما بر واقع خارج ذهن دلالت دارد. گزاره اعتباری و گزاره واقعی هر دو زیر مجموعه شناخت علمی انسان هستند که شخص باید آنها را برای شناخت بداند. در مقابل شناخت گزاره علمی، شناخت گزاره عقلی وجود دارد که با درک و تعقل انسان معرفت حاصل می‌شود؛ بنابراین معرفت انسان به دو دسته کلی معرفت علمی و معرفت عقلی تقسیم می‌شود: معرفت علمی به دو دسته گزاره علمی واقعی و گزاره علمی اعتباری تقسیم می‌شود و دانش‌های فقه، حقوق و اخلاق از مجموعه گزاره‌های علمی اعتباری هستند اما معتبر (اعتبارکننده) در دانش فقه در نهایت به اراده و احکام خداوند می‌رسد و به او نسبت می‌دهد اما معتبر (اعتبارکننده) در دانش حقوق به قانون و اراده مجلسی‌های اعتبارکننده و تصویب‌کننده قوانین می‌رسد؛ همان طوری که معتبر در دانش اخلاق عرف است و اراده اکثریت اشخاص یک جامعه گزاره اعتباری را به‌عنوان یک هنجار اجتماعی برای آن جامعه ارائه می‌دهد تا اشخاص و جوامع دیگر از آن گزاره به‌عنوان یک قاعده اخلاقی آن جامعه اطلاع داشته باشند؛ بنابراین تمام گزاره‌های فقه، حقوق و اخلاق زیرمجموعه معرفت علمی اعتباری بشر است. فقه اسلام بعد از ارتحال پیامبر اسلام (ص) در دو دسته اعتبار صحابی رسول خدا (ص) به جامعه بشریت ارائه شده است: دسته اول؛ اهل بیت پیامبر (ص) که از دختر و داماد ایشان حضرت زهرا (س) و حضرت علی (ع) آغاز می‌شود و سپس در مقام امامت از امام حسن (ع) تا امام زمان (عج) به دوازده امام (ع) می‌رسد و دسته دوم؛ صحابی دیگر پیامبر (ص) که از دو پدر خاتم ایشان و دیگر صحابی معاصر ایشان آغاز می‌شود و سپس تابعین صحابی و همچنین تابعین تابعین صحابی تا عصر کنونی، بیان گزاره‌های فقهی اسلام از دیدگاه اهل سنت ادامه می‌یابد.

این تفکر فقهی که گزاره‌های اعتباری حضرت علی (ع) و فرزندان معصوم ایشان (ع) مبنای قانونمندی مسلمانان قرار بگیرد یا اینکه گزاره‌های اعتباری صحابی دیگر مبنای قرار بگیرد، موجب شد تا بین مسلمانان دو گروه عظیم فقهی، فقه شیعیان علی (ع) و فقه سنیان در طول تاریخ اسلام تدوین شود گرچه دو گروه تقسیم‌های دیگری با مکاتب فقهی مختلف پیدا کردند اما میزان اصلی صحابی دست اول پیامبر اسلام (ص) بودند. فقه شیعه و سنی با بزرگانی از فقها و ادیبان از طرفین بر تألیفات و تأثیرات فرهنگ خود در جامعه مسلمانان و حتی غیرمسلمانان افزودند و به‌طور کلی دو نوع تفکر کلامی و فقهی تشیع و تسنن را از دین اسلام ارائه دادند. شیعیان سعی می‌کنند تا قانونمندی فردی و اجتماعی خود را در سه عامل شهوت جنسی، ثروت مالی و قدرت مقامی به اعتبارهای حضرت علی (ع) و فرزندان معصوم او (ع) مبتنی سازند؛ همان طوری که سنیان نیز سعی دارند تا قانونمندی فردی و اجتماعی خود را به اعتبارهای صحابی دیگر پیامبر (ص) مبتنی سازند. این دو تفکر دو نوع قانونمندی را برای شخص مسلمان و جامعه مسلمانان رقم زد اما در تاریخ معاصر بر این دو تفکر فقهی، اعتبارهای حقوقی بر پایه قانون با ضمانت اجرای دولتی در کشورهای اسلامی مطرح شد و قوانین به‌عنوان منبع حقوق به اشخاص و جوامع معرفی شدند اما از آنجایی که دانش حقوق هر ملت مسلمانی ریشه در فرهنگ آن جامعه دارد چنانچه جامعه‌ای شیعی باشد، قوانین آن کشور از فقه شیعه و اگر جامعه‌ای سنی باشد فقه آن کشور حسب فقه چهارگانه سنی؛ حنفی، مالکی، شافعی و حنبلی تدوین می‌شود؛ بنابراین

قوانین هر کشور مسلمان، متأثر از فقه اسلامی آن کشور است اما اساس قانونمندی حقوقی بر پایه تفکر فلاسفه غرب بر پایه مکتب تحقیقی از قرن ۱۹ و ۲۰ میلادی بوده است که دانش حقوق را ناشی از نیازهای پس رو جامعه در سیر تاریخی جوامع بشری معرفی کردند.

حقوقدانان تمام تلاش خود را مبذول می‌دارند تا مراد قانونگذار را از اعتبار قانون درک کنند و آن را برای هر چه بهتر قانونمندی جامعه طبق قوانین موضوعه کشور تبیین و تشریح کنند.

### تفاوت فقه، حقوق و اخلاق

گزاره‌های فقهی علاوه بر اعتباری بودن، موصوف به وصف لزوم یا غیرلزوم می‌شود اما گزاره حقوقی که اعتباری هستند از ضمانت اجرایی حکومت و از وصف لزوم برخوردارند و کسی نمی‌تواند قوانین را که منابع حقوق هستند متصرف به وصف غیرلزوم از رجحان یا جواز کند. در احکام الهی، خداوند خالق جهانیان اعتبارکننده است در حالی که اعتبارکننده در قوانین وضعی، اهالی مجلس قانونگذاری هستند که با اراده اکثریت آنها تصویب می‌شود اما احکام فقهی از خدا به‌طور مستقیم از آیات محکم یا روایات متواتر یا از طریق استنباط و اجتهاد دانسته می‌شود؛ گرچه ممکن است اجتهاد صواب نباشد ولی تلاش در اجتهاد و استنباط به این است که حکم استنباط شده براساس ادله به خداوند نسبت داده شود؛ یعنی تمام تلاش و اجتهاد مجتهد در جهت نیل به حکم و مراد الهی جهت قانونمندی انسان است اما اخلاق گرچه اکثریت انسان‌های یک جامعه هستند که ممکن است با جامعه دیگر تفاوت در مبانی و در نتیجه اعتبارها و اراده‌ها داشته باشند؛ بنابراین اگر اخلاق را به یک جامعه نسبت دهیم، معلوم نیست که در جامعه دیگر مورد پذیرش باشد و همان رفتار یا گفتار حسب گزاره‌های اعتباری اخلاقی در جامعه دیگر نیز اخلاقی شمرده شود.

اما اگر اخلاق را به اراده‌ها و اعتبارهای غیرالزامی در اسلام مستند کنیم آنگاه به اخلاق اسلامی می‌رسیم که برای همه مسلمانان یک رویه واحدی را ارائه می‌دهد. اخلاق را خواه از اراده و گزاره‌های اعتباری الهی بگیریم یا اینکه به اراده‌ها و اعتبارهای اکثریت مردم یا همان عرف استناد کنیم که شارع آنها را منع نکرده است در نتیجه از مجموعه گزاره‌های اعتباری بدون الزام پیروی می‌کنیم در حالی که گزاره فقهی در احکام و جوب و حرمت از الزام برخوردار است ولی گزاره فقهی احکام مستحب و مکروه از رجحان و احکام مباح از جواز برخوردار است. بدیهی است کسی که مستحبات را انجام می‌دهد و مکروهات را ترک می‌کند و گزاره‌های اخلاقی عرفی مورد تأیید شارع را انجام می‌دهد به اخلاق اسلامی می‌رسد. گزاره اخلاقی عرفی که مورد تأیید اسلام نباشد، اخلاق اسلامی نیست و تأیید اسلام درباره گزاره‌های اخلاقی به عدم مخالفت کتاب و سنت و عدم منع اسلام معنا می‌شود؛ بنابراین شناخت گزاره‌های اعتباری رجحانی در طرف فعل و ترک جهت عمل به اخلاق اسلامی بسیار حائز اهمیت است زیرا هر گزاره اعتباری اخلاقی عرفی، اخلاق اسلامی نیست. نتیجه اینکه گزاره‌های فقهی، حقوقی و اخلاقی در اعتباری بودن مشترک هستند ولی به لحاظ مقام اعتبارکننده و وصف الزام یا رجحان یا تساو در طرف فعل و ترک با یکدیگر متفاوت هستند و گزاره اخلاقی هر جامعه‌ای ممکن است برای همان جامعه اخلاقی باشد و در جامعه دیگر غیراخلاقی تلقی شود؛ بنابراین ارزش گزاره‌های اعتباری به مقام اعتبارکننده آن گزاره‌ها می‌رسد و از این جهت اسلام ناب بر تمام مکتب‌ها و عرف‌ها برتری دارد که مقام اعتبارکننده گزاره فقهی الزامی و اخلاقی رجحانی در مبدأ، خداوند خالق زیبایی‌ها و حکیم و قادر متعال است.